

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ».

این مطلب کراراً عرض شد که اختلافاتی که احیاناً بین پنج شریعت برای اولی العزم من الرسل است، این اختلاف در اصول احکام هرگز نیست و در فروع احکام هم، آن فروعی که اصالت دارند، از نظر وجوب یا از نظر حرمت، هرگز نیست. بلکه در بعضی از اشکال احیاناً، یا احیاناً به عنوان ابتلاء و امتحان، یا احیاناً به عنوان این که بعضی از احکام هست که نمی‌تواند ابدیت داشته باشد إلی یوم الدین، بلکه احکامی است که در برهه‌ای از زمان حاکمیت دارد و بعداً باید حکمی بیاید که إلی یوم الدین باشد. اختلافاتی که احیاناً بین شرایع هست، از این قبیل است.

ما در فروع احکام، دیروز یک مثال را عرض کردیم که راجع به حرمت تزواج بین کافر و مسلمه و کافره و مسلم بود. شرحش را عرض کردیم و احتمالات آن را هم گفتیم. حال واجبات را بحث می‌کنیم، محرمات را هم باید بحث کنیم.

- بالاخره مشخص نشد. جئت فرمودید همان موقع جایز بوده است.

- بله، جایز بوده است. برای چه کسی جایز بوده است؟ مسلم برای جناب نوح، و جناب لوط، و جناب آسیه قطعاً جایز بوده است. برای امت آن‌ها، ما نمی‌دانیم. پس این قابل استثناء است و اگر آیاتی در قرآن شریف، نکاح مشرکه را از برای مسلم، و انکاح مسلمه را از برای کتابی جایز نیست، این ثابت نیست که در شرایع قبل هم

جایز نبوده است. احتمال این هست که این «أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»^۱ این مطلب را تثبیت می‌کند که اگر دعوت إلى النار بود احتمالاً یا ظناً این حرام است؛ چون دعوت إلى النار به طور کلی معامله را از بین می‌برد. و اما اگر نوعاً دعوت إلى النار است یا احتمالاً یا ظناً یا هر چه، در این جا حرام خواهد شد.

از جمله واجباتی که در کل شرایع مقدسه الهیه واجب است عبادة الله است. هیچ پیغمبری نمی‌آید بگوید شما عبادت خدا را نکنید. و این عبادت خداوند، تبلور آن و مرحله علیای آن عبارت است از صلاة، در کل ادیان ما صلاة داریم، «بیننا و بین الرب صلاة، بیننا و بین الخلق زکاة»، هم صلاة داریم در کل ادیان، هم زکات داریم در کل ادیان، چهره صلاة طور دیگر است، مطلب دیگری است. هم صوم داریم در کل ادیان، هم حج داریم در کل ادیان، هم امر به معروف و نهی از منکر داریم در کل ادیان، هم تولی و تبری داریم در کل ادیان. تمام فروع اصلیه دینی که در اسلام هست که واجبات باشد، ما در کل ادیان داریم. محرمات اصلیه، قتل نفس، زنا، سرقت، هتک حرمت، افتراء، غیبت، دروغ و... تمام این‌ها در کل ادیان وجود دارد و قرآن که هیمنه دارد و احاطه دارد و نگرش بسیار وسیع و محیطی دارد نسبت به کل ادیان، اصول و آن مراحل علیای این مطالب را به عنوان ضابطه و قاعده ذکر می‌کند، از جمله صوم. کتاب را باز کنید.

- در کل ادیان بوده است؟

- در کل ادیان. از آدم بوده است به بعد.

- همین محل بحث است؟

- بله، همین است. حالا بحث می‌کنیم. فعلاً ما در صوم، آیات صوم را ملاحظه بفرمایید. از آیات صوم، ما استفاده‌های گوناگونی داریم. آنچه مورد بحث ما است این است که آیا همان‌طور که صوم بر مسلمان‌ها واجب است، بر اُمم گذشته هم واجب بوده است یا خیر؟ یک، دوم: آیا همان صومی که بر ما واجب است بر اُمم گذشته واجب بوده است یا خیر؟ جواب این خیر است و از خود آیات استفاده می‌کنیم، این آیاتی که بحث می‌کنیم، سوم: آیا همان‌طور که در اُمّت اسلام صوم به معنای پرهیز از عمل جنسی و خوراکی و آشامیدنی است، و صوم دیگری در اسلام نیست، آیا در سایر ادیان، صوم دیگری بوده است یا نه؟ جواب این است که بله، آیا

۱. بقره، آیه ۲۲۱.

این صوم هم بوده است که واجب باشد پرهیز از عمل جنسی، و خوراکی و آشامیدنی؟ بله، تمام این بله‌ها و نه‌ها را ما از آیات صوم استفاده می‌کنیم.

آیاتی هم از تورات، بنده نقل در این‌جا کردم، که آن آیات هم، نه به حساب این‌که چون در تورات هست تصدیق هم می‌کنیم، چون تورات، تحریف هم دارد، به حساب این‌که قرآن اشاره می‌کند. چون قرآن بر کل کتب آسمانی قبل همین‌ها دارد. مثلاً در این موضوع، بعد خواهیم دید که صوم قبلاً در میان اُمم گذشته، ۲۴ ساعته بوده است، یعنی وقتی مغرب می‌خوردند، بعد دوباره خوردن، و آشامیدن و عمل جنسی حرام بوده است تا فردای مغرب، در اول اسلام هم همین‌طور بوده است. و بعداً «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ»^۱ اِلی آخر، این از قبیل چیزهایی است که تصدیق می‌کند تورات را که صوم، از مغرب تا مغرب بوده است، یعنی بین مغرب تا مغرب، حق نداشتند که این سه محذور و این سه جریان را عمل کنند. و قرآن که نسخ فرموده است، چون شریعت سهله سمحه هم هست، مقداری از مدت را حذف فرموده است. از نظر زمان، اگر قبلاً رمضان نبوده است ولی در غیر رمضان بوده است، بالأخره صوم بوده است. صوم‌های واجب و صوم‌های مستحب که ما داریم، آن‌ها هم صوم‌های واجب مستمری، و صوم‌های مستحب داشته‌اند. صوم به نذر داشته‌اند، صوم به عهد داشته‌اند، صوم به قسم داشته‌اند. صوم به عنوان عبادت مستحبه داشته‌اند، و صوم مستمره در کل ایام سنه هم داشته‌اند. منتها عبادات آن‌ها از ما سخت‌تر بوده است.

- از همین آیه شریفه استفاده می‌کنیم همان ماه رمضان بوده است.

- خیر، حالا بحث می‌کنیم. آیات را ملاحظه بفرمایید. بسم الله الرحمن الرحيم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»^۲ صیام غیر از صوم است. «الصِّيَامُ» فرمود و «صوم» نفرمود، علتش روشن است؛ چون صوم، مصدر فردی است، و صیام از مصاومه است «صَاوَمَ يُصَاوِمُ مُصَاوِمَةً»، اما صوم «صَامَ يَصُومُ صَوْمًا» پس صوم مصدر فردی است. اما قرآن «صیام» فرمود؛ چرا؟ برای این‌که همان‌طور که ما صوم را انجام می‌دهیم، صوم هم ما را انجام می‌دهد. چطور؟ «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، همان‌طور که

۱. بقره، آیه ۱۸۷.

۲. همان، آیه ۱۸۳.

ما خودداری می‌کنیم از عمل جنسی و خوردن و آشامیدن، این سه هم تقوا در ما ایجاد می‌کند، صیام است، صوم نیست. تفصیل آن را در تفسیر مراجعه بفرمایید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» بر چه کسی؟ بر «الَّذِينَ آمَنُوا»، از مقتضیات ایمان بالله، صیام لله است. اگر ایمان آورده است که باید صیام داشته باشد، و اگر ایمان نیاورده است باید ایمان بیاورد، و بعداً تکلیف صیام را انجام بدهد. بعد: «كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» آیا در تشبیه، صد درصد مشبه و مشبه‌به مثل هم هستند؟ یا در بعضی جهات؟ صد درصد که نیستند. فلانی مانند ماه است، یعنی همان‌طور که ماه در آسمان است، این هم در آسمان است، ماه گرد است، این هم گرد است؟ این حرف‌ها نیست. در بعضی از جهات، مشبه و مشبه‌به با هم شرکت دارند. در این جا «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» صیام هم نفرمود، بلکه فرمود: «الصِّيَامُ»، چرا «الصِّيَامُ»؟ برای این که صیام عبادتی است که مربوط به کل «الَّذِينَ آمَنُوا» است در کل شرایع مقدسه الهیه. «الصِّيَامُ»، نه «کتب علیکم صیام» یا «کتب علیکم صوم» نخیر، سابقه دارد. چیزی که سابقه دارد و در عرف شریعه‌الله در میان کل متشرعین به شرایع‌الله هست، و لذا «الصِّيَامُ» باید باشد که الف و لام جنس است و یا استغراق، جنس هم باشد کافی است. حداقل جنس است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»؛ «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» چه کسانی هستند؟ بعضی روایات دارد که «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» فقط انبیاء هستند که برای آن‌ها یک شرف خاصی بود که فقط رمضان را روزه می‌گرفتند و بقیه نه، البته این سخن، نقد دارد. این جا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ»، «الَّذِينَ» چه کسانی هستند؟ یعنی «الَّذِينَ آمَنُوا» قبل، «الَّذِينَ آمَنُوا» در اسلام «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ [آمَنُوا] مِنْ قَبْلِكُمْ». «عَلَى الَّذِينَ [آمَنُوا] مِنْ قَبْلِكُمْ» فقط انبیاء هستند؛ اصلاً به انبیاء، «الَّذِينَ آمَنُوا» نمی‌گویند. این‌ها رأس الدائرة هستند، این‌ها محور هستند، باید ایمان بالله و ملائکته و کتبه و رُسُله^۲ آورد، صدق «الَّذِينَ آمَنُوا» بر خصوص رسل که هیچ، بلکه «الَّذِينَ آمَنُوا» رسل را هم شامل شود، این، کار مشکلی است و نمی‌شود. وانگهی حداقل مطلب این است که آیا «الَّذِينَ آمَنُوا» قبل از اسلام فقط رسل هستند؟ خیر،

۱. همان.

۲. بقره، آیه ۲۸۵.

رسل و «الذین آمنوا معهم». صدق «آمنوا» بر «الذین آمنوا معهم» بیشتر است، از لحاظ این که به رسل «آمنوا» نمی‌گویند؛ چون آن‌ها محور اول هستند، وانگهی حداقل هم «كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» یعنی «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، چون مشابهت در جریان دو بُعد از ایمان است.

حال، این جا کسی بیاید و بگوید: این تشبیه در همه جهت است. «علی الذین آمنوا من قبل»، باید سی روز شود چون ماه سی روز است. برای آن‌ها باید رمضان باشد، ما هم رمضان، برای آن‌ها فقط صوم، باید صوم از عمل جنسی و آشامیدن و خوردنی باشد، فقط، یعنی صوم صمت نباشد بر خلاف آیه‌ای که راجع به مریم است، می‌گوید خیر، این حرف‌ها درست نیست. صوم ابعادی دارد. در اصل صوم مشابهت است، در زمانش، در تعدادش، در گوناگونی‌اش، در وقت معینش، در این‌ها آیه تضمین نمی‌کند، فقط تضمینی که در آیه مبارکه است این است که «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».

پس از آیه این مطلب را استفاده می‌کنیم که کل مؤمنین در کل شرایع قبل از اسلام - کل مؤمنین نه رسل - مأمور به صیام بودند، وقت طور دیگر، تعداد طور دیگر، شرایط ایجابی و سلبی طور دیگر، خیر، صیام، و صیام به این معنا؛ از شهوات خودداری کردن لله. منتها از شهوات خودداری کردن لله، بعضی وقت‌ها سخت است، بعضی وقت‌ها آسان است، آسان‌تر است، بالأخره خودداری از شهوات است. خودداری از شهوات بطن و فرج که سه بعدی است؛ فرج، جنسی است و بطن هم خوردنی و آشامیدنی است. این خودداری در کل زمان‌های سابقه عبارت بوده است از این که ۲۴ ساعت، کما این که از آیه هم استفاده می‌کنیم، ولیکن در شریعت اسلام، این، «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ»^۱ «إِلَى آخِرِ مَا اسْتَفَادَهُ مِنْ نِسَائِكُمْ» بعد از آن دارد: «أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ»^۲ بعد: «شَهْرُ رَمَضَانَ»،^۳ بعد: «وَإِذَا سَأَلَكَ»^۴ بعد: «أَحِلَّ لَكُمْ». آیه ۱۸۷ «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» پس معلوم می‌شود که قبلاً حلال نبوده است. آقا، مگر «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» صیام نداشتند؟ بحث هم سر صیام است. پس،

۱. همان، آیه ۱۸۷.

۲. همان، آیه ۱۸۴.

۳. همان، آیه ۱۸۵.

۴. همان، آیه ۱۸۶.

برای «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» عمل جنسی در «لَيْلَةَ الصِّيَامِ» جایز نبوده است، جایز نبوده است. در شریعت اسلام هم، تا این آیه که آیه مدینه هم هست، در سیزده سال مکه، همان صیام قبلی بوده است. در مدینه هم قبل از این که آیه نازل شود، همان قبلی بوده است، «لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» حرام بوده است، کما این که «عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» حرام بوده است ولی در این جا حلال می شود. «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» بعد علت و جهت؛ «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ».

سؤال: آیا این «أُحِلَّ» فقط مربوط است به عمل جنسی که در شرایع قبل و قبل از این فتره مدینه، حرام بوده، فقط عمل جنسی است؟ که در شرایع سابقه عمل جنسی در شب و روز صوم کلاً حرام بوده است، فقط اول افطار مثلاً یا خیر، اکل و شرب هم چنین است. اکل و شرب هم چنین است، از خود آیه استفاده می کنیم. و چرا فقط رفث إلى نساء؟ چون مهم تر است. آیا شهوت اکل و شرب مهم تر است؟ یا شهوت رفث إلى النساء؟ کسانی هستند که حاضرند از شکمشان، از اکلشان، از شربشان، از لباسشان، مکانشان و... کم بگذارند، ولی رفث إلى النساء داشته باشند. پس آن قله شهوات انسان ها، زن و مرد، عبارت است از «الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» و رفث نساء هم إلى الرجال. این را در محور ذکر کرده است. بقیه را در حاشیه، ملاحظه بفرمایید: «فَالْأَن بَاشِرُوهُنَّ» فقط؟ خیر.

- یک ماه نمی تواند، چطور چیزی نخورد؟

- نه یک ماه. ۲۴ ساعت را عرض می کنم. یعنی مغرب که خوردند تا مغرب دیگر، نه بخورند نه بیاشامند و نه عمل جنسی کنند. این بوده است نه یک ماه. چه کسی گفت یک ماه؟ ببینید اول آن «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» این تحلیل اول، که از میان سه چیزی که مبطل صوم است و سه چیز بیشتر مبطل نیست، اگر چیزهای دیگری داریم مبطل نیست - آقایان نوعاً می فرمایند مبطل است - ولی بر حسب کتاب و سنت، چیزهای دیگر مبطل نیست. سر زیر آب کردن مبطل نیست. غی مبطل نیست، ولو حرام باشد. اگر هم حرام باشد چیزهایی، مبطل نیست. صرف این که چیزی حرام باشد، در حالت صوم یعنی مبطل است؟ خیر. ابطال دلیل خاص لازم دارد.

آن سه محوری که در صوم حرام است و موجب بطلان صوم است، آن که اول است و مرکز است رفث است. «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» تا «فَالْأَن»

«آن» چه زمانی است؟ «آن» یعنی حالا؟ ولو شب است، ولو روز است، ولو رمضان نیست؟ خیر، «فَالآنَ» یعنی در این شریعت اسلام، از حالا حکم این طور شد. «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ» معنایش این نیست که این آیات در رمضان نازل شده باشد. چه لزومی دارد؟ نخیر، الآن یعنی در این شریعت اسلامی، از حالا به بعد، حکم این است ولو چند ماه به رمضان مانده است. «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ» امر عقیب حضر است. امر عقیب حضر چیست؟ اباحه است. اباحه را قبل گفت «أَحِلَّ». «أَحِلَّ» اباحه کرد، الآن تکرار می کند «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ».

«وَ ابْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كُلُوا»، «كُلُوا» هم عقیب حضر باید باشد دیگر، «كُلُوا» امر است؟ امر وجوبی است؟ آقایان! آیا «الآنَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا» یعنی بین مغرب تا سحر، «كُلُوا وَ اشْرَبُوا»، این امر وجوبی است؟ یا امر عقیب حضر است؟ اگر عقیب حضر نباشد که وجوب است، عقیب حضر است؛ چون قبلاً هم حضر ذکر شده است. آن که حضر بود چه بود؟ «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» که قبلاً حلال نبوده است. بعد «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا» این سه کار را انجام دهید. تا چه وقتی؟ «حَتَّى يَبَيِّنَ» این سه کار که قبلاً حرام بوده است، این سه کار را جایز است انجام دهید، امر عقیب حضر است.

نتیجه: پس دو مطلب یا سه مطلب را استفاده می کنیم که در شرایع قبلی:

- ۱- صوم بوده است کما این که بر ما صوم است.
- ۲- این سه چیزی که حرام است در نهار صیام، در لیل صیام هم حرام بوده است إلا وقتی افطار می توان کرد که اول مغرب، خوردن، آشامیدن و رفت، با همدیگر. ولکن بعداً تا طلوع فجر صادق تمام اینها محرم است. در شرایع سابقه، اینها محرم بوده، در شریعت اسلام هم در مکه مکرمه حرام بوده، تا حالا حرام بوده، الآن دارد حلال می شود.

- «اتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ»^۱ از آن زمان ظاهراً حلال شده است.

- حالا که دارد می گوید حلال شده است دیگر، «اتِمُّوا الصِّيَامَ» بعد از آن است.

- ظاهراً در جنگ خندق بوده است.

- کاری نداریم چه زمانی بوده است. هر وقت بوده است، این سه قبلاً حرام بوده

در شرایع سابقه و در شریعت اسلام، حالا حلال شده است.

۱. بقره، آیه ۱۸۷.

- جنگ خندق در مدینه نبوده است؟

- بله در مدینه بوده است. ولی در مدینه، حتماً آیات باید در رمضان نازل شده باشد؟ چه لزومی دارد؟ بعد از آن «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ» از جمله استدلالاتی که به این آیه کردیم و اشاره می‌کنیم این است. ببینید این «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ» و بعد «كُلُوا وَاشْرَبُوا»، «حَتَّى يَتَبَيَّنَ» غایت چه چیزی است؟ «حَتَّى يَتَبَيَّنَ» غایت هر سه است دیگر. پس همان طور که می‌شود تا لحظه قبل از طلوع فجر خورد و آشامید، تا لحظه قبل از طلوع فجر هم می‌توان عمل جنسی انجام داد. چه زمانی غسل می‌کنید؟ پس طهارت کبری که غسل از جنابت است برای صحت صوم واجب نیست. به آیه استدلال می‌کنیم. این فقط اشاره بود.

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» ببینید «أَتَمُّوا» حساب دارد. البته این جا نمی‌خواهیم مفصل بحث کنیم، یعنی شب و روز صوم است، در وقتی که وقت صوم است، شب و روز صوم است، منتها شب از سه چیز خداوند صرف نظر کرده است، ولی بقیه چیزها چطور؟ دروغ گفتن در شب رمضان بدتر از دروغ گفتن در غیر ماه رمضان است. غیبت کردن و... در شب رمضان بدتر است که این جا مضاعف می‌شود. البته قبلاً به سری چیزها حرام بوده است، ولی الآن حلال شده است. «ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ». حالا، در تورات شریف - این که می‌گوییم شریف، منظور آن آیاتی است که البته توراتی است - اصل صیام ذکر شده است، اوقات صیام ذکر شده است، صوم واجب و صوم مستحب ذکر شده است، و این که این سه چیز هم حرام بوده است، ذکر شده است. این جا تصادق بین تورات و قرآن شریف است. صفحه دوازده، در صفحه دوازده نوشته‌ایم: «إِنَّه كَانَ مِنَ الطَّقُوسِ الْمَتَعَوِّدَةِ بَيْنَ كَافَةِ الْمَلِيئِينَ»^۱ طقوس أشكال عبادات است. صوم «كَانَ مِنَ الطَّقُوسِ الْمَتَعَوِّدَةِ بَيْنَ كَافَةِ الْمَلِيئِينَ مَعْمُولًا عِنْدَهُمْ فِي الْبِأَسَاءِ وَالضَّرَاءِ غَيْرِ الْمَتَرَقِبَةِ». در کتاب یونس فصل ۵ آیه ۳. کتب انبیاء که حدود پنجاه کتاب نسبت به انبیاء است که مجموع است در عهدین، تورات اصلی و ملحقاتش، و انجیل اصلی و ملحقاتش، این کتاب یونس است.

- ۱۱۳ کتاب فرموده بودید.

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، ج ۳، ص ۱۲.

- بله، ولی آن که موجود است، این قدر نیست. «و لقد صام موسى و إيليا و المسيح». ایلیا یحیی است. «و لقد صام موسى و إيليا و المسيح (ع) أربعين يوماً» پس صوم بوده است. حالا برای انبیاء، برای غیر انبیاء، کلاً بحث می‌شود. تث، تثنیه است. تثنیه التورات که از اسفار خمس تورات است. فصل ۹ از آیه ۱ تا ۹، و سفر الملوک، فصل ۱۹ آیه ۸، و انجیل متی، فصل ۴ آیه ۲. «و اليهود كانوا يصومون»، کل آن‌ها، نه فقط انبیاء «و اليهود كانوا يصومون إظهاراً للمسكنة و تخضعاً عند الله و اعترافاً بخطاياهم و توبهً إلى الله بغية مرضاة الله» زبور داود، فصل ۲۰ آیه ۲۶، و سموئیل فصل ۷ آیه ۶، و ۲ سموئیل فصل ۱۲ آیه ۱۶، نحمیاء (از کتب انبیاء است که نحمیاء هم از انبیاء بنی اسرائیل است)، فصل ۹ آیه ۱، و ۱ تا ۳۶ و ۹ از نحمیاء: «لا سيما عند المصائب كانوا يصومون و يصومون الرضع بل و الحيوان»، بچه‌ها را از شیر می‌گرفتند، یعنی آن قدر این‌ها در حال خضوع، متقید به ترک شهوات بودند حتی بچه‌ای که مکلف نیست، بچه‌ها را از شیر می‌گرفتند که جیغ و داد و فریاد، بزرگان و کوچکترها ناله و زاری إلى الله تا خداوند گناهان آن‌ها را ببخشد.

- در شرایع آن‌ها که نبوده؟ که بچه‌ها را از شیر بگیرند.

- پس چه بوده است؟

- در شریعت نیست.

- بله، منتها نه این که ظلم به بچه کوچک بشود، برای این که این ضجه‌ای که بلند می‌شود خودش یک حساب و دعای خاصی دارد. یوئیل، فصل ۲ آیه ۱۶، دانیال فصل ۱۰ آیه ۲ و ۳: «بداية الصوم عندهم إمساكاً عن الأكل و الشرب» البته فقط اکل و شرب نیست، اصل آن رفت إلى النساء است. این خلاصه‌ای است از آنچه را که من آدرس می‌دهم.

«بداية الصوم عندهم إمساكاً عن الأكل و الشرب كان منذ غروب الشمس إلى غروب ثان» این را قرآن تصدیق کرده است. «منذ غروب الشمس إلى غروب ثان» البته غروب به حساب ما مغرب، چون «ثُمَّ أْتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» نه این که إلى الغروب.

- یک ۲۴ ساعته روزه می‌گرفتند؟

- ۲۴ ساعت، نه یک ۲۴ ساعت، روزه آن‌ها ۲۴ ساعت بوده، نه یک ۲۴ ساعت. حالا

أربعين بود، عشرين بود، عشره بود، ثلاثين بود یا هر چه بود.

- روز بعدی چطور؟

- این بحث دیگر است. ببینید. روزه‌های آن‌ها گوناگون بود. بعضی روزها متتابع بود، بعضی روزه‌ها فردی بود. روزه‌های متتابع، روزهایی است که ماه رمضان بر ما فرض شده و واجب شده است. روزه‌های فردی، نذر روزه، یا برای استکانت یا تضرع یا غیره، مثلاً یک روز یا دو روز روزه می‌گرفتند. یا این‌که بیشتر یا کمتر، آن بستگی دارد.

- متتابع هست، ۲۴ ساعته نباید بخورند؟ چگونه است؟

- خیر، غروب تا غروب.

- پس بعدی چه می‌شود؟

- بعدی هم همین‌طوری است. غروب تا غروب روزه می‌گیرد. یعنی افطار می‌کند،

بعد روزه است تا غروب دیگر، باز می‌خورد تا غروب دیگر

- منظور این است که خود ۲۴ ساعت نیست.

- کمتر است بله. در شب هم روزه بودند. ۲۴ ساعت که می‌گویم به این حساب

است.

«بداية الصوم عندهم إمساكاً عن الأكل و الشرب كان منذ غروب الشمس إلى غروبِ ثانٍ و ذلك هو الصوم الأعظم لكل سنة مرة مرسومة عندهم» منتها مرة یک روز را نمی‌خواهد بگوید. مثل ما که هر سال یک مرتبه روزه می‌گیریم و سی روز است. آن‌ها هم یک مرتبه داشته‌اند ولی چند روز است، ما نمی‌دانیم.

«و كانوا يصومون أياماً كذكری لانهدام اورشليم» برای این‌که اورشليم در دست بت‌پرست‌ها بود، این‌ها فعالیت‌هایی داشته‌اند از جمله دعا و از جمله صوم. روزهایی را روزه می‌گرفتند برای این‌که اورشليم منهدم شود.

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ»، این

«کما» نمی‌خواهد کیفیت صوم را هم بگوید؟

- قبل از این‌که تشریف بیاورید عرض کردم، در کتاب هم مطالعه کنید. در تشبیه

فقط بعضی از جهات کافی است، بقیه را استغراق دلیل می‌خواهد.

- «كذكری لانهدام اورشليم» ظاهراً حمله کردند، خراب کرده بودند.

- بله دیگر، یعنی مشرکین اورشليم را گرفته بودند، و اورشليم هم دو مرتبه خراب

شد. و یهودی دلشان می‌خواست وارد اورشليم شوند و این‌ها بروند؛ مشرکین بروند.

«و كان الأتقياء منهم يصومون كل أسبوع يومي الثاني و الخامس». لوقا فصل ۱۸

آیه ۱۲: «و لقد قال المسيح (ع) إن تلاميذه سوف يصومون بعده» انجيل لوقا فصل ۵

آیه ۳۴ و ۳۵. «فحیة الحواریین- إذأ- و المؤمنین كانت حیاة نکران اللذات و المشتہیات، و الصیامات». فصل ۲ انجیل الیٰ غرناطیین. این انجیل بعضی از اتباع مسیح است الیٰ غرناطیین، فصل ۱۱، ۲ غرناطیین. چون نامہ الیٰ غرناطیین دوتا است. این دومی از آن است کہ برای پولس است فصل ۱۱ آیه ۲۷. «و لقد کان السید المسیح یصوم، و الحواریون عند اللزوم» متی ۶، ۱۶، ۱۸ و اول الیٰ یادم نیست عین چہ بود، باید یادم بیاید. ۳:۱۳. «فالصوم عون للتوبة و القدسیة و التقوی لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ». این چیزی است کہ ما از عهدین استفاده می‌کنیم.

بنابراین صوم بوده است و این خصوصیت را ما تصدیق می‌کنیم، این صومی کہ بوده است، این صوم بین الغروب و الغروب، یعنی مقداری خوردن و آشامیدن و عمل جنسی، بعد حرام، در قرآن شریف این تحلیل شد، کما این کہ آیات آن را ملاحظہ فرمودید.

- یعنی برای سحری دیگر، برنامه‌ها تمام است؟

- بلہ، تمام. و یکی از خصوصیات شریعت سمحہ سهلہ همین است کہ مثلاً «رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفِرْ لَنَا» آخر سوره بقرہ. یک احکامی کہ از نظر تحریم یا از نظر ایجاب سخت بود، خداوند تخفیف داد، و حساب تخفیف چند جهت است؛ یکی این است کہ اصولاً در یک مدت خاصی بہ عنوان ابتلا و امتحان می‌شود حکم سختی را آورد و إلا سخت بودن این حکم، یک حالت مصلحتی علی طول الخط ندارد. آن کہ حالت مصلحتی الیٰ یوم القیامة دارد، آن را خداوند در شریعت اسلام، ابقا فرموده، و آن‌هایی کہ سخت‌تر بوده است در واجبات، یا سخت‌تر بوده است در محرّمات، آن را بہ طور کلی در کل احکام واجبہ و محرّمہ برطرف فرموده است. این صوم.

- احکامی کہ برای قوم یہود بود، این بہ خاطر خیانت‌هایی بود کہ داشتند؟

- قسمت‌هایی از آن، بلہ.

- پس این نباید برای مسیح باشد؟

- آخر شریعت اسرائیل نسخ نشده است کلاً تا شریعت قرآن، یعنی شریعت تورات همین‌طور محکم بوده است، بر مسیح هم محکم بوده است، بعد از ششصد سال هم محکم بوده است، و این در یک فترہ خاصی است. درست است، بعضی وقت‌ها - ما

۱. بقرہ، آیه ۲۸۶.

این نمونه‌اش را داریم- زلزله می‌شود در فلان شهر چون گروهی مستحق هستند، اما گروه دیگری که متقی هستند زلزله برای آن‌ها عذاب نیست، برای آن‌ها تربیت و امتحان است. این هم همین‌طور است.

راجع به صوم صمت، در قرآن شریف، نسبت به صوم صمت آیه‌ای داریم که مربوط است به حضرت مریم (س) که «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» کسی بیاید و بگوید: این «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» ثابت می‌کند که در شریعت تورات، چون حضرت مریم (س) تابع شریعت تورات بوده است، چون مسیح که هنوز نیامده است، و هنوز هم مطلبی نشده است، تازه مسیح متولد شده است و نبوت و کتاب و این حرف‌ها بالفعل نیست. حضرت مریم (س) که تابع شریعت تورات بودند، نذر فرمودند «لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا»، چه صومی؟ «فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا». «الْيَوْمَ» یا مجموع شب و روز باشد، یا روز باشد در این بحث نداریم، بالأخره، در مدت خاصی، یا کل روز است، یا کل روز با شب است، به استثناء آن وقت‌هایی که می‌شود افطار کرد، که این‌جا افطار به کلام است، «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» تکلم با انسان، به طور کلی، در این صومی که نذر شده است حرام است.

کاری نداریم به این‌که، آیا این صومی که نذر شده است، عنوان وجوب غیر نذر هم داشته است یا خیر؟ دلیلی نداریم. ممکن است کاری عنوان وجوب غیر نذر دارد در یک مقدار معینی، ولیکن بعداً هم نذر می‌کنند در وقت غیر معین، احیاناً نه، یک عملی است که هیچ وقت واجب نیست مثل نماز شب، نماز شب که بر مسلمان‌ها واجب نیست اگر نذر کرد کسی که مقداری نماز شب بخواند، واجب می‌شود یا نه؟ بله، پس این «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» دلیل نیست بر این‌که صوم سکوت از واجبات بوده است، دلیل بر نفی هم نیست. فقط دلیل است بر این‌که از جمله احکام شریعت تورات این بوده است که می‌شد انسان بر خودش الزام کند صوماً که مدتی سخن نگوید. این در اسلام نیست. در اسلام، صوم صمت باطل است و صوم صمت بدعت است و قرآن شریف، صوم صمت را نسخ کرده است. چرا؟ برای این‌که آیات مربوط به صیام منحصر کرده است صیام را به پرهیز کردن از این سه چیز. این

۱. مریم، آیه ۲۶.

انحصار، صوم صمت را که از جمله صوم‌های تورات و انجیل بوده است، از بین برده است.

حالا، اگر کسی در این جا بیاید و بگوید: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» صوم را در شریعت تورات، منحصر می‌کند به صوم صمت؟ می‌گوییم نخیر، نفرمود: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ الصَّوْمَ» صوماً، پس ممکن است دو نوع صوم باشد، کما این که حتماً هم هست، چون صوم از، خودداری از آن سه چیز، مسلم بوده است، قرآن می‌فرماید، تورات هم گفت و قرآن تصدیق کرد. یک صوم دیگر هم بوده است. ممکن است صوم سومی هم بوده باشد که ما خبر نداریم، ولی صوم از تکلم که صوم صمت است در شریعت تورات بوده است به این معنا که می‌شد نذر کنند و وقتی که نذر شد، صوم صمت، واجب می‌شود. ولی در شریعت اسلام، نه صوم صمت داریم اصلاً، و نه صوم صمت داریم نذراً. البته حکم این است که انسان باید زبان خود را نگاه دارد. در غیر رمضان باید نگاه دارد به طور عام، در رمضان باید بیشتر نگاه دارد. همان‌طور که در روایات زیادی ما داریم که عبادت کردن در رمضان، آن عبادتی که مخصوص رمضان نباشد، عبادت کردن در رمضان، ثوابش بالاتر است، و گناه کردن در رمضان، گنااهش بیشتر است. پس صمتی که در اسلام هست، صمتی که اصلی باشد، یا صمتی که صومی باشد ما نداریم، فلذا صوم صمت را، خداوند در اسلام نسخ فرموده است.

این بحثی راجع به صوم. راجع به صلاة. راجع به صلاة، کل شرایع الهیه، صلاة داشته‌اند؛ چون عبادت خدا دو بُعد است: یک بُعد ایجابی و یک بعد سلبی. تخلیه است و تحلیه، «لا إله، إلا الله» سلب غلط و ایجاب صحیح، ما با صوم سلب غلط می‌کنیم، شهوات را دور می‌کنیم «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» که این تمرینی باشد از برای ما، یک ورزشی باشد از برای ما، وقتی که در رمضان، از زن حلال، از غذای حلال، از شرب حلال، ما ممنوع هستیم و حرام است، بعد از رمضان «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» پس از حرام به طریق اولی ما تجنب می‌کنیم. کما این که در باب إحصاء هم همین‌طور است. در باب إحصاء، چیزهایی در حال إحصاء و ارض حرم، حرام است که در حالت دیگر حرام نیست. این چه چیزی است؟ این تدریبی است، «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» در این جا می‌آید. اگر انسان در حرم حق ندارد مورچه را اذیت کند، حق ندارد چه کند، حق ندارد چه کند، این حاجی، وقتی حج درستی انجام داد بعداً حواس او جمع است که به انسان به طریق اولی حق ندارد اذیت کند، این را تمرین می‌دهند که اصلاً نباید اذیت کند،

حتی به یک گیاه اذیت کند. به حیوان، یا کندن گیاه حرم، از برای کسی که آنجا برای حج می‌رود، این حرام است، إلا ما استثنی.

در باب صوم و صلاة هم همین‌طور است. صوم جهت نسخ دارد و صلاة جهت اثبات دارد. صوم انسان را از شهوات تخلیه می‌کند، این شهوات که موانع است و ظلمات است بین انسان و حق سبحانه و تعالی، این، تخلیه است، بعد از تخلیه آلهه إلا الله، بعداً تخلیه نفس اماره بالسوء از مشتتهیات اصلیه‌ای که رأس الزاویه در مشتتهیات هستند، حتی از حلال هم ممنوع است. این برای صوم، صلاة، صلاة اتجاه إلى الله است، آن سلب و این ایجاب است، و هر دوی سلب و ایجاب در کل شرایع الهیه هست. در کل شرایع صلاة هست. صلاة چطور است؟

من یادم است در بیمارستان الیزابت که بستری بودم خیلی وقت پیش، در اتریش، نماز می‌خواندم، رکوع و سجود، پرستار دوید و من را نگاه داشت، خیال کرد من غش کرده‌ام، نمازم را خواندم. بعد او گفت: چه شده است؟ گفتم: نماز ما این است. گفت: نماز ما ایستاده است. گفتم: شما بی‌خود می‌کنید، نماز شما هم رکوع دارد و سجود دارد به دلیل این آیه از انجیل و این آیه از تورات. اصلاً رکن اصلی نماز، از نظر خضوع، رکوع است در مرحله اولی، و سجود است در مرحله ثانیه. نماز آن‌ها رکوع داشته است، سجود داشته است، قیام داشته است، طبعاً ذکر داشته است، اما به این شکل، لزومی ندارد باشد، مگر همه نمازهای ما یک شکل است؟ ما نماز میت که می‌خوانیم، مانند نمازهای دیگر است؟ نماز آیات مانند نمازهای دیگر است؟ همه نماز است. نماز آیات نماز است، نماز طواف نماز است، نماز میت نماز است. همه نماز است. همه این‌ها ایقاد نور است بین ما و بین رب، منتها هر کدام شکل خاصی دارد. نماز مسافر، نماز غیر مسافر، نماز صلاة الغرقی که یک تکبیر بگوید نماز است، کسی که در حال غرق شدن است، نماز از او ساقط نیست، فقط حداقل این است که یک تکبیر بگوید، این به جای هر دو نماز ظهر و عصر او حساب می‌شود.

کما این‌که در شریعت اسلام، این اختلاف‌های صوری و چهره‌ای در اوقات مختلف، حالات مختلف، اوضاع مختلف است، صلاة‌های قبلی برای شرایع سابقه هم لزوم ندارد که مانند ما باشد، حتماً صبح و ظهر و عصر و چه، حتماً دو رکعت، سه رکعت، چهار رکعت، این‌ها که حمد نداشتند، حمد قرآن نداشتند این‌ها، سوره‌های قرآن نداشتند، یا مثلاً تشهد داشتند، ما در تشهد می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»، او می‌گوید: «أَشْهَدُ أَنْ مُوسَى عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» آن یکی می‌گوید: «عیسی عَبْدُهُ

وَرَسُولُهُ» آن یکی می گوید «نوح عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» نمی گویم حتمیت دارد، ولی این طور نیست که در شریعت نوح، اگر فرض کنید دو سوره دارد، یکی قبل یکی بعد، حتماً قبل باید حمد باشد و سوره بعد، قرآن نازل نشده است. در رکوع و سجود بله، در رکوع و سجود اذکار عامه ای است که حالا آن جا به چه صورت بوده است، بالأخره ذکرالله بوده است. اما در تشهد، ما که اسم رسول الله (ص) را می بریم، آن ها هم رسول خودشان، اگر هم لزوم داشته باشد اسم او را. اما رکوع و سجود بوده است. جماعت هم بوده است، نماز جماعت منحصر به اسلام نیست، بلکه در شریعت تورات بوده است، در شریعت تورات و شریعت انجیل که تابع تورات است، بوده است، و آیتی در مورد این مطلب، ما در قرآن شریف داریم. اول، صلاة در کل شرایع، بعد رکوع و سجود در کل شرایع، بعد جماعت در کل شرایع. حالا شکل آن در اسلام، شکل بالاتری است و حالت استمراری دارد، مطلب دیگری است.

مثلاً در سوره بقره آیه ۴۳ می فرماید: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا» تا به این جا می رسد: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»^۱ به بنی اسرائیل می فرماید. نفرمود وقتی مسلمان شدید «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»^۲ نخیر، «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ» تا آیه بعد، آیه ۴۵: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» چه کسی؟ بنی اسرائیل. «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ * الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۳ تمام این ها برای یهود است. برای مسلمان ها هم داریم. برای مسلمان ها در همین سوره بقره آیه ۱۵۳: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» این برای مؤمنین به اسلام، و لکن قبلاً آیه ی «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ» آیه ۴۳ سوره ی بقره، بعد آیه دیگر، و بعد: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» تا آخر، این خطاب به یهود است. پس صبر داشتند. صبر عمده مطلبش صوم است، آن چیزی که صبر و خودداری از شهوات را تحقق می دهد، صوم است. و لذا در قسمتی از روایات، صبر به صوم تفسیر شده است، البته این تفسیر مصداقی است، تفسیر مفهومی نیست، صبر تمام خودداری های از کل شهوات است در تمام اوقات. اما آن که تبلور دارد و نمود بسیار روشنی دارد عبارت است از صوم. و صلاة که معلوم است.

۱. بقره، آیه ۴۰.

۲. همان، آیه ۴۳.

۳. همان، آیات ۴۵ و ۴۶.

این برای یهود. بعد، سوره نساء آیه ۱۰۳: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا»، این «كَانَتْ» به کجا می خورد؟ از اول که ایمان در کار بود. چون فقط «عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»، نفرمود «على هؤلاء المؤمنين»، خداوند دارد با ما صحبت می کند، «إِنَّ الصَّلَاةَ» این صلاة با خصوصیات و جهاتی که دارد، اصل صلاة، اصل اتجاہ إلى الله، که رکوع دارد، که سجود دارد، که ذکر دارد، که آیات دارد، که چه دارد، این اصل «الصَّلَاةَ»، «كَانَتْ»، از چه موقعی؟ از وقتی که ایمانی در کار بوده و لازم بوده است در کار باشد لازم است. یعنی از زمان آدم، «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» این واجب بوده و واجب وقتی بوده است، نه این که هر وقت دلت خواست نماز بخوان. کما این که در اسلام ما هر وقت دلمان خواست نماز صبح را بخوانیم نیست، در وقت معین است نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء، در شرایع دیگر هم، اگر این پنج وقت نبوده، بالأخره وقت معین یا اوقات معینہ ای داشته است.

باز هم همین سوره ی نساء، آیه ۱۶۲: «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ» یعنی یهود و نصاری، راسخون فی العلم منحصر به ائمه نیست. دو آیه داریم. یکی راسخون فی العلم است که این در سوره ی مبارکه آل عمران است و مصداق اعلا ی آن، رسول و ائمه (ع) هستند و معلوم است، ولی راسخون فی العلم منحصر به آن ها نیست به دلیل این آیه. «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ» از یهود و نصاری، دیگر در یهود و نصاری که پیغمبر و ائمه ما که تشریف ندارند، مگر یهود و نصاری همه معصوم هستند؟ اگر هم معصومین مراد است، نخیر، «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ» از یهود و نصاری، کسانی که ایمان آن ها به خدا درست است. که رسوخ در علم ایمان است در این جا، نه رسوخ در علم اصطلاحی.

آیه ۱۶۲ سوره نساء. «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ» مؤمنون چه کسانی هستند؟ یعنی کسانی که ایمان به رسالت اسلام آوردند، پس دوم مؤمنون، اول هم «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ»، در این جا راسخون فی العلم باید بگویند، چرا؟ برای این که ایمانی که در بین یهود و نصاری بود نوعاً سست بود. رسوخ نداشت، ثبات نداشت، و لذا فرمود: «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ» هر دو.

«وَ الْمُقِيمِينَ» این جا چرا «وَ الْمُقِيمِينَ» فرمود؟ بعد «وَ الْمُؤْتُونَ» فرمود؟ «وَ الْمُقِيمِينَ» چه چیزی اعرابش داد تا جر شد یا نصب شد؟ در این جا نصب است. «وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» این از باب اختصاص است. یعنی آنچه بسیار بسیار خصوصیت

دارد در چهره‌های آشکار ایمان، اقام الصلاة است، و لذا فرمود: «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» یعنی «أَخْصُ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» از چه کسانی؟ از «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ». پس هم در مؤمنون اقام الصلاة است هم در «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ». کسانی که ایمانشان سست است «يَأْتُونَ الصَّلَاةَ»^۱ صلاة درستی ندارند. «وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» چرا؟ برای این که زکات پایین‌تر از صلاة است. آن که بین زکات و صلاة اختصاص دارد در رسوخ ایمان، طبعاً صلاة مقدم است بر زکات، لا شك، که جهت ایجابی است. کما این که «إِلَّا اللَّهُ» مقدم است از نظر عمقی بر «لا إله». «لا إله» مقدمه است، ولكن «إِلَّا اللَّهُ» مقدم است. در این جا «وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» که رابطه عادلانه با بندگان خدا لازم است. ولكن رابطه عادلانه با حق، الزم است. و لذا «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» نمی‌توانند اعتراض کنند که پس إعراب قرآن هم این طور است. می‌گویم إعراب شما خراب است. عقل شما خراب است. «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» یعنی «أَخْصُ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ بِالذِّكْرِ».

- عطف به کجا است؟

- عطف به قبل است. ببینید «لكن الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ» و او عطف به قبل است. عطف به «وَالْمُؤْمِنُونَ». کما این که «وَالْمُؤْمِنُونَ» عطف به «الرَّاسِخُونَ» است.

- [سؤال]

- اصلاً این تبلور ایمان است، یعنی انسان وقتی ایمان به خدا و پیغمبر آورد، تبلور ایمان به چه چیزی است؟ به اقامه صلاة است، ممکن است آدم ایمان داشته باشد و اصلاً نماز نخواند، ببینید اول اصل را می‌گوید، «لكن الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ» لكن نصب نمی‌دهد؛ چون لكن مخفف است، «وَالْمُؤْمِنُونَ» چه کاری می‌کنند؟ «يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ» این اصل ایمان است که عقایدی است، بعد عملی. در عملی آن چیزی که بر همه مقدم است، چیست؟ «وَالْمُقِيمِينَ» عطف است، همان راسخون فی العلم و همان مؤمنون که «الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ» است که از باب اختصاص در این جا منصوب شده است. «وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ» این سومی چه می‌گوید؟ می‌خواهد بگوید: چه مؤمنین کتابی قبل، چه مؤمنین قرآنی بعد، چه «الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ» به طور عام، کما این که دو آیه

۱. توبه، آیه ۵۴.

یا سه آیه داریم که «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»^۱ إلى آخر.

حالا این آیه تمام شود. «أُولَئِكَ سَنُوْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲ آیات دیگری در باب اشتراک تکلیفی صلاة، در اصلش، در رکوعش، در سجودش، در خصوصیات، و در قبله اش حتی هست، حتی قبله کل متشرعین مکه مکرمه بوده است. قدس هیچ گاه قبله نبوده، مگر در چند ماهی آن هم در بعد از هجرت إلى المدينة المنورة.

- فرمودید رکوع رکن نماز است؟

- بله، آیاتی که خواهیم خواند رکوع و سجود، اصلاً به عنوان نماز، رکوع و سجود است، «وَالرُّكُوعِ السُّجُودِ»^۳ ابراهیم و موسی و غیره.

«اللَّهُمَّ اشْرَحْ صُدُورَنَا بِنُورِ الْعِلْمِ وَالْإِيمَانِ وَمَعَارِفِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَوَقِّفْنَا لِمَا تُحِبُّهُ وَتَرْضَاهُ وَجَنِّبْنَا عَمَّا لَا تُحِبُّهُ وَلَا تَرْضَاهُ».

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ».

۱. بقره، آیه ۶۲.

۲. نساء، آیه ۱۶۲.

۳. حج، آیه ۲۶.